



در یک سفر کاری از طرف دفتر مجله رشد نوآموز با عنوان ایران‌شناسی به کرمان سفر کردیم. در آنجا بنا داشتیم تا به مکان‌های دیدنی استان برویم که روستای تاریخی، باستانی میمند هم جزو برنامه سفرمان بود.

روستای میمند، از روستاهای استان کرمان، و در فاصله ۲۳۰ کیلومتری از شهر کرمان قرار گرفته است. میان راه کرمان تا میمند، مس سرچشمه کرمان را دیدیم و تابلوی رفسنجان را و بعد از گذر از کنار شهر بابک، به روستای تاریخی میمند رسیدیم.

در میمند هیجان‌زده مشغول دیدن و گرفتن عکس بودیم که با حسن شمس‌الدینیان روبه‌رو شدیم. ایشان

بازنشسته آموزش و پرورش است و در حال حاضر با موزه مردم‌شناسی میمند همکاری دارد. اطلاعاتی را که در معرفی میمند در اختیار تان می‌گذارم، در گفت‌وگو با شمس‌الدینیان به‌دست آورده‌ام.

واژه میمند از «می‌ماند» گرفته شده است. روستای میمند به شکل مثلث غیرمنظم است. خانه‌های غارهایی هستند که چند صد سال پیش، آن‌ها را به شکل خانه ساخته‌اند، هر خانه دو تا چهار اتاق دارد که هر اتاق برای خود دری چوبی هم دارد. این خانه‌های غاری در زمان‌های قدیم با دست و بدون هیچ ابزار فناوری ساخته شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این امر واقعاً کار سخت و طاقت‌فرسایی بوده که امروزه به یک هنر تبدیل شده است.

معماری صخره‌ای به‌عنوان یک پدیده جاودانه مسلماً با آیین مهرپرستان مرتبط می‌گردد. نیروی مبارزه و سرسختی و انضباط یکی از اصول اساسی آیین مهرپرستی است؛ این افکار با ساختمان مجموعه خانه‌های میمند تطابق دارد. روستای میمند ۴۰۰ «کیچه» (بن‌بست) و ۲۸۳۰ اتاق دارد. آخرین اتاق آن را ۱۹۵ سال پیش ساختند.

همان‌طور که گفتیم، این روستا به شکل مثلث غیرمنظم است و سه ضلع دارد. بالای تپه‌ها دیده‌بانی داشته و روی یکی از ضلع‌ها خندق و دژ بوده است. سربازان در این دژ نگهبانی می‌دادند. میمند یک راه ورودی بیشتر نداشته است. می‌گویند اگر کسی وارد آن می‌شد، از او می‌خواستند که از میمند به کسی چیزی نکوید تا روستا و ساکنانش در امان باشند.

زهره اسلامی

طبق نظر باستان‌شناسان، قبل از این که میمند فعلی شکل بگیرد، مردم در خانه‌های هرمی شکلی که از کنار هم قرار گرفتن چند سنگ شکل می‌گرفت، زندگی می‌کردند. این خانه‌ها که پراکنده از هم ساخته شده بودند، امنیت نداشتند و هم‌چنین مشکلات برف و باران و... هم وجود داشت. قدمت این خانه‌ها به سه تا چهار هزار سال پیش برمی‌گردد. پس از آن مردم وارد مجموعه میمند شدند و دور هم خانه‌های غاری را ساختند. چون برخی از افراد سودجو به دنبال گنج بودند، متأسفانه خانه‌های هرمی را تخریب کردند و از بین بردند.

خانه‌های میمند بین ۵ تا ۹ طبقه دارند، بدون این که شما متوجه این ۹ طبقه شوید. ما روی سقف حمام ایستاده بودیم و نمی‌دانستیم. حمام زیرزمینی نورگیر و آتشگاه و خزینه دارد که متأسفانه سنگ نورگیرش را به انگلستان برده‌اند. این سنگ مرمر در بالای صحن رختکن قرار داشت که به طرز عجیبی نور را در حمام منعکس می‌کرد.



روستای باستانی میمند

حمام چند کوچه دارد که در انتها به دالانی ختم می‌شوند. وسط دالان دری است که به رختکن حمام متصل می‌شود. این رختکن حوضی در وسط و سه سکو در اطراف دارد که در دیگری آن را به صحن حمام وصل می‌کند. پای صحن خزانه‌هایی در سنگ کنده شده‌اند که منفذی هلالی شکل آن‌ها را به صحن وصل می‌کند. این منفذ برای برداشتن آب بوده است. در وسط خزانه گودالی است برای قرار دادن دیگی و گرم کردن آب. در پایین و پشت این چاله دالانی است که در آن به خارج از حمام باز می‌شود و آتش‌خانه و محل برافروختن آتش در زیر حمام، آن‌جا قرار دارد. برای گرم کردن حمام منفذی بوده که دود در آن می‌پیچیده و آن‌را گرم می‌کرده و پس از گرم شدن گرفته می‌شده است. در طرف راست خزانه حوضی بوده که محل شستن و آب کشیدن پا بوده است و در طرف چپ حمام بریدگی کوچکی برای نظافت بوده است. چون خانه‌های روی هم قرار گرفته توخالی هستند، گازهای زیرزمینی به راحتی

خارج می‌شوند و لرزش و انفجار رد می‌شود. تاکنون در میمند انفجاری رخ نداده است. ۷۸۰۰ نفر در میمند داخل اتاق‌های غاری زندگی و حدود ۵۶۰ دانش‌آموز تحصیل می‌کنند

سال ۱۳۴۲، محمدرضا پهلوی در یک گذر هوایی از نزدیک روستا را می‌بیند و پس از بازگشت تصمیم می‌گیرد که از آن‌جا به‌عنوان زاغه مهمات استفاده کند. او در سال ۱۳۴۸، مرحوم دکتر روح‌الامینی را که در فرانسه در رشته جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی تحصیل کرده بود به میمند می‌فرستد. روح‌الامینی به همراه ۵۰ نفر در آن‌جا چادر می‌زند و حدود دو ماه می‌ماند که پس از تحقیق و تفحص به شاه گزارش می‌دهند که خاک این‌جا رسوبی و آهکی است و رطوبت موجود در آن موجب می‌شود که به درد انبار مهمات نخورد. روح‌الامینی هم‌چنان در میمند ماند و درباره تاریخ آن تحقیق کرد.

چوپانان میمندی فسیلی به‌دست می‌آورند و دکتر روح‌الامینی آن را به تهران

می‌فرستد. استادان ایرانی نمی‌توانند جانور را تشخیص دهند و فسیل را به فرانسه می‌فرستند. فرانسویان می‌گویند این فسیل مربوط به ببری بوده که ۱۲ هزار سال پیش منقرض شده است.

قبل از این که اسلام وارد میمند شود، آیین و دین میمندی‌ها زرتشتی بوده است. میمند در سال ۱۳۴۶ جزو استان یزد بود و در آن زمان به تمام خانه‌های این روستا سند مالکیت داده شد که اسناد آن در سازمان ثبت اسناد یزد موجود است.

در سال ۱۳۲۷، مدرسه میمند توسط آقای صابری تأسیس شد. تاکنون میمند ۹۵۰ پزشک تربیت کرده است که علت آن راه‌های پاک، آب خوب، و تغذیه مناسب می‌دانند.

روزگاری مردم روستا به‌صورت بی‌یلاق و قشلاق زندگی می‌کردند و بهار در دشت به دنبال جمع‌آوری محصولات دامی بودند و تابستان‌ها برای جمع‌آوری محصولات کشاورزی می‌رفتند. محصولات میمند پسته و حشی یا پنه، بادام درختی، سنجد، انار، گردو، به و کشک است.

